

## سوسیالیسم چیست؟

حبیب‌اله شاه‌رکنی

رویداد انقلاب صنعتی، نظام سرمایه‌داری را پدید آورد که در آن کلیه‌ی رشته‌های کار با سیستم کارخانه اداره می‌شوند و شامل دو طبقه‌ی اصلی است که عبارت است از:

۱- طبقه‌ای که هم‌اکنون در تمام کشورهای پیشرفته به تقریب بدون استثنا مالک کلیه‌ی وسایل حیاتی و تمام ابزارهای لازم برای ایجاد این وسایل حیاتی (کارخانه‌ها و ماشین‌ها) است و به آن‌ها طبقه‌ی سرمایه‌دار یا بورژوا گفته می‌شود.

۲- طبقه‌ای که به کلی فاقد همه چیز است و مجبور است برای تهیه‌ی لوازمی که جهت ادامه‌ی زندگی نیاز دارد، نیروی کار خود را به بورژوازی بفروشد که به آن‌ها طبقه‌ی کارگر یا پرولتاریا می‌گویند.

این نظام، در همه جا پرولتاریا را به موازات بورژوازی توسعه می‌دهد و به همان نسبت که بورژوازی ثروتمندتر می‌شود، بر شمار پرولتاریا هم افزوده می‌شود، زیرا پرولترها تنها به وسیله‌ی سرمایه به کار گماشته می‌شوند و سرمایه هم وقتی رو به ازدیاد می‌رود که پرولترها را به کار گمارد، در نتیجه ازدیاد عده‌ی کارگران با ازدیاد سرمایه همگام است. در عین حال، نظام سرمایه‌داری، بورژواها و پرولترها را در شهرهای بزرگ که در جریان صنایع بزرگ در آن‌ها به بهترین وجه انجام‌پذیر است، دور هم جمع می‌کند و به این وسیله که توده‌های عظیم را در روی یک قطعه‌ی کوچک گرد هم می‌آورد، قدرت پرولترها را هم به خود آن‌ها نشان می‌دهد. به علاوه، هرچه انقلاب صنعتی به مرحله‌های عالی‌تری تکامل می‌یابد و ماشین‌های جدیدی اختراع می‌شوند که نیاز به کار دستی را کاهش می‌دهند، به همان نسبت کارگران نیز به حقوق خویش آشناتر می‌شوند و در جهت تعمیق تغییر اجتماعی قدم برمی‌دارند، که در نهایت در نتیجه‌ی این تغییرها، اداره‌ی کارخانه‌ها و صنایع بزرگ از دست سرمایه‌داران (بورژواها) خارج و به تملک عموم در خواهد آمد.

بر اثر الغای قطعی مالکیت سرمایه‌داران بر وسایل تولید، کلیه‌ی قوای تولید، وسایل حمل و نقل، داد و ستد و توزیع محصولات از دست سرمایه‌داران خصوصی خارج و طبق نقشه‌ی عمومی که وسایل موجود و نیازهای همگانی آن را ایجاد می‌کند، اداره خواهد شد.

پس از آنکه صنایع بزرگ از قید مالکیت شخصی سرمایه‌داران آزاد شود به اندازه‌ای توسعه خواهد یافت که صنایع امروزی، کوچک و بی‌اهمیت به نظر می‌آیند. این توسعه‌ی صنایع برای رفع نیازهای همگانی به میزان کافی، محصولات در اختیار خواهد گذاشت. به همین ترتیب کشاورزی صورت نوینی به خود خواهد گرفت و مقدار بسیار کافی محصولات در اختیار اجتماع قرار خواهد داد. به این صورت جامعه قادر به تهیه‌ی میزان کافی محصول خواهد شد. برای آنکه تنظیم توزیع به گونه‌ای انجام شود که نیازهای کلیه‌ی افراد برآورده شود، تقسیم جامعه به طبقاتی که نسبت به هم متضاد باشند، زاید خواهد بود. این تقسیم نه تنها زاید، بلکه با نظم نوین اجتماعی غیرقابل تطبیق و تحمل‌ناپذیر خواهد شد.

وجود طبقات نتیجه‌ی تقسیم کار است و تقسیم کار به طرز کنونی به کلی از بین خواهد رفت، زیرا که برای رسانیدن تولید صنعتی و کشاورزی به میزان فوق، تنها وسایل صنعتی و مکانیکی تکافو نخواهد کرد، بلکه قابلیت کسانی که این وسایل را به کار می‌اندازند نیز باید به همان نسبت تکامل یافته باشد.

اداره‌ی مشارکتی وسایل تولید به وسیله‌ی مردمانی مانند مردم امروز که هر کدام به یک رشته از تولید وابسته‌اند و تحت اختیار آن هستند و به وسیله‌ی آن استثمار می‌شوند، یعنی مردمانی که هر کدامشان تنها یکی از استعدادهای طبیعی خود را به ضرر استعدادهای دیگر خود تکمیل کرده و تنها یک رشته یا بخشی از یک رشته‌ی تولید کلی را می‌شناسند، امکان‌پذیر نخواهد بود. حتا امروزه نیز صنایع دیگر نمی‌توانند از چنین اشخاصی استفاده کنند.

صنایعی که به طور عمومی و طبق نقشه به دست تمامی اجتماع اداره شوند، به مردمانی نیاز دارند که استعدادهای شخصی آن‌ها از همه‌ی جهات تکامل یافته باشد، به طوری که قادر به درک کلیه‌ی سیستم تولید باشند. تقسیم کار که یکی را کشاورز، دومی را کفاش، سومی را کارگر و چهارمی را سفته‌باز بورس می‌کند (و هم‌اکنون در اثر وجود ماشین‌ها تا حدی کاهش یافته)، به کلی نابود خواهد شد.

آموزش و پرورش وسیله‌ای خواهد شد که جوانان از طریق آن بتوانند خیلی سریع کلیه‌ی دستگاه تولید را بشناسند، و به آن‌ها موقعیتی خواهد داد تا در اثر نیاز جامعه یا تمایل شخصی خود از رشته‌ای به رشته‌ی دیگر تولید، تغییر شغل دهند. این آموزش و پرورش، ویژگی‌های یک جانبه‌ای را که تقسیم کار کنونی به هر کس تحمیل می‌کند، از میان خواهد برد.

به این ترتیب، اجتماعی که به شیوه‌ی مشارکتی اداره می‌شود، به همه‌ی افراد خود توانایی خواهد داد تا استعدادهای ذاتی خود را که در کلیه‌ی ابعادش تکامل می‌یابد، در تمام جهات به کار اندازد. با این امر لزوم طبقات مختلف از بین خواهد رفت، به طوری که جامعه‌ی مشارکتی از یک طرف بقای طبقات را تحمل نمی‌کند و از طرف دیگر ایجاد چنین جامعه‌ای، خود وسایل لازم برای از بین بردن این اختلاف طبقاتی را به دست خواهد داد. از این موضوع نتیجه می‌شود

که تضاد میان شهر و ده نیز به همان ترتیب از میان خواهد رفت. به دلیل اقتصادی، اداره‌ی صنایع و کشاورزی به دست یک نوع مردم به جای دو طبقه‌ی مختلف، یکی از شرایط حتمی و ضروری اجتماع مشارکتی خواهد بود. همکاری عموم افراد جامعه به شیوه‌ی مشارکتی برای آن‌که از کلیه‌ی قوای تولید طبق نقشه استفاده کنند، تکامل تولید به درجه‌ای که نیازهای همه برآورده شود، از بین رفتن وضعیتی که در آن نیازهای یک فرد با وجود دیگران و به ضرر آن‌ها رفع شود، از بین رفتن کلیه‌ی طبقات و اختلافات آن‌ها، تکامل همه جانبه‌ی استعدادهای عموم افراد اجتماع با از بین بردن شیوه‌ی کنونی تقسیم کار از طریق تربیت صنعتی بر مبنای گردش مشاغل، برخورداری همه‌ی افراد از خوشی‌هایی که به دست آحاد مردم تولید می‌شود و یکی شدن شهر و ده، همه نتایجی هستند که از به وجود آمدن یک جامعه‌ی سوسیالیستی به دست می‌آید.

در سازمان جدید اجتماعی، تولید صنعتی در دست افرادی که نسبت به هم رقابت می‌کنند، قرار ندارد، بلکه همه‌ی تولید به وسیله‌ی عموم جامعه، از روی نقشه‌ی ثابت و طبق نیازهای همگانی اداره می‌شود. به عبارت دیگر، اداره‌ی صنایع و تمام رشته‌های تولید به طور کلی از دست افرادی که نسبت به هم رقابت می‌ورزند، خارج می‌شود و به دست عموم جامعه سپرده خواهد شد تا به نفع همه و طبق نقشه‌ی همگانی و با مداخله‌ی کلیه‌ی اعضای جامعه اداره شود. هم چنین، از آنجایی که اداره‌ی صنایع به وسیله‌ی افراد، مستلزم مالکیت شخصی بر آن‌هاست، و رقابت هم چیز دیگری غیر از اداره کردن صنایع به وسیله‌ی افراد صاحب سرمایه نیست، از این جهت مالکیت شخصی را از افراد انفرادی صنایع و از رقابت نمی‌توان جدا و مجزا کرد. مالکیت شخصی بر وسایل تولید باید از بین برده شود و حق استفاده‌ی همه از وسایل تولید و تقسیم کلیه‌ی محصولات طبق توافق نظر عمومی فراهم شود، و یا به طور خلاصه اصول همگانی شدن ثروت جانشین آن شود. اگر بخواهیم تغییر شکل کلیه‌ی سازمان اجتماعی را که در نتیجه‌ی تکامل صنایع به وجود می‌آید، به طور خلاصه بیان کنیم، کوتاه‌ترین و مشخص‌ترین بیان آن عبارت است از «الغای مالکیت شخصی بر وسایل تولید». از این رو سوسیالیست‌ها این امر را ادعای اصلی و تقاضای مهم خود قرار داده‌اند.

صنایع بزرگ و توسعه‌ی بی‌حد تولید، که به وسیله‌ی این صنایع بزرگ ممکن خواهد شد، وضعی را امکان‌پذیر می‌سازد که در آن از کلیه‌ی محصولات مورد نیاز زندگی به اندازه‌ای تولید می‌شود که به هر یک از اعضای جامعه، قدرت تکمیل و به کار انداختن آزادانه‌ی تمام قوا و لیاقتش داده شود.

به این ترتیب، همان خواصی از صنایع بزرگ که در اجتماع امروزی تنها فلاکت و بحران‌های اقتصادی را ایجاد می‌کنند، در یک سازمان اجتماعی دیگر این فقر و نوسان‌های فلاکت‌آور را از بین خواهند برد.

هر وقت که کلیه‌ی سرمایه‌ها، تمامی تولید و همه‌ی داد و ستد در دست عموم مردم تمرکز

یابد، مالکیت شخصی بر صنایع و تجارت، به خودی خود از میان خواهد رفت، پول بی فایده خواهد شد و وفور تولید به حدی خواهد بود که موجب تغییر در روابط مردم خواهد شد، به طوری که هرکس برای دیگری دوست و همیار خواهد بود و به این ترتیب آخرین آداب معاشرت اجتماعی قدیمی که مبتنی بر حسد، بخل، کینه، فریب کاری، دروغگویی و... است، از بین خواهد رفت.

در این شرایط لزوم وجود دولت که در جهت حمایت از یک طبقه بر ضد طبقات دیگر است، نفی می شود.

به جای جامعه کهن بورژوازی با طبقات و تناقضات طبقاتی، اجتماعی از افراد پدید می آید که در آن، پیشرفت آزادانه‌ی هر فرد، شرایط تکامل آزادانه‌ی همگان است.

این نظم، ارتباط بین زن و مرد را به کلی به یک ارتباط شخصی و خصوصی که تنها مربوط به دو شخص است (و اجتماع حق هیچ‌گونه مداخله‌ای در آن ندارد)، مبدل می کند. زن و مرد از حقوق برابر برخوردار خواهند شد و روابط مردسالارانه و پدرسالارانه از بین خواهند رفت. فحشا نه تنها ادامه نمی یابد، بلکه به طور کلی محو خواهد شد. اجتماع تربیت کودکان را به عهده خواهد گرفت و همه‌ی آنها را از حقوق اجتماعی یکسان برخوردار خواهد ساخت.

جدایی و اختلاف ملی ملت‌ها که هم‌اکنون در اثر تکامل بورژوازی، آزادی تجارت، بازارهای جهانی، تشابه محصولات صنعتی و شرایط زندگی متناسب تا حدود زیادی کم شده است، با پدید آمدن جامعه‌ی جدید جهانی، به کلی از میان خواهد رفت. همان‌طور که استثمار فرد از فرد پایان می پذیرد، استثمار یک ملت توسط ملت دیگر نیز از بین خواهد رفت و وضع دشمنانه‌ی ملت‌ها نسبت به یکدیگر در اثر از بین رفتن تضاد طبقات در درون هر ملت محو خواهد شد. لذا، این نظام یک نظام جهانی خواهد بود که در سرزمینی به وسعت جهان به وجود خواهد آمد.

با تغییر روابط زندگی اقتصادی انسان، کلیه‌ی عقاید و افکار و یا به طور خلاصه وجدان او نیز تغییر می کند و تصور انسان‌ها نسبت به هم و همین‌طور نسبت به شیوه‌ی زندگی دگرگون خواهد شد و هرکس دوست، یار و همراه همه خواهد بود و همه هم همین عقیده را در مورد او خواهند داشت، به طوری که شعار عمومی این خواهد بود:

«یکی برای همه و همه برای یکی».